



زوج جوان محله ثامن، ۷ سال است که زندگی و کارشان را به مسجد آورده اند

۵۴

خادمی انتخاب ما بود



عکس: فیهیمه فرخی / شهرآرا

گزارش شهرآرا محله از تاریخچه
امکانات و حال و هوای محله شهید باهنر

یادگار زمین های کشاورزی
وقف شاه عباس

۶



شهرآرا محله از گلایه خانواده ها درباره جابه جایی
یک مدرسه با سابقه در محله رضائیه روایت می کند
عواقب مهاجرت دیرستان حاج جعفر برزگر!

۲

کتابخانه شهید محمد کاظم خیابانی در محله شهید
بسکابادی، با همکاری اهالی و نوجوانان راه اندازی شد
روشنایی کتاب در انباری خاموش

۷

مادر یکی دیگر از دانش آموزان با اشاره به استدلال مطرح شده درباره دوری مسیر برای برخی دانش آموزان، معتقد است چنین شرایطی در اغلب مدارس استعداد های درخشان وجود دارد. او می گوید که بسیاری از خانواده ها، از جمله خودش، برای فرزندشان سرویس رفت و آمد در نظر گرفته اند و این مدرسه برخلاف ادعاها، از شلوغی و ترافیک محدوده های پرتردد شهر فاصله دارد. به گفته او، در هر نقطه ای از شهر که مدرسه قرار بگیرد، برای گروهی دور و برای گروهی نزدیک خواهد بود.

محمد رضاتقی پور، رئیس شورای اجتماعی محله رضاییه، نیز به مطرح شدن موضوع انتقال مدرسه انتقاد دارد. او می گوید: این تصمیم، بار دیگر این نگرانی را در ذهن ساکنان محله ایجاد کرده که با اعمال سلیقه برخی والدین یا کادر آموزشی، امکانات آموزشی از محلات کمتر برخوردار به سمت مناطق مرفه تر شهر منتقل می شود.

● تصمصیم نهایی هنوز گرفته نشده است

هادی ظریف، رئیس اداره استعداد های درخشان اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی، با تأکید بر اینکه هنوز تصمصیم نهایی درباره انتقال این مدرسه اتخاذ نشده است، توضیح می دهد: مدارس سمپاد تابع تقسیم بندی نواحی آموزشی نیستند و به صورت استانی مدیریت می شوند و متعاقب آن، الزامات نواحی نباید دارای مدرسه استعداد درخشان باشند.

ظریف دسترسی راحت تر دانش آموزان به مدرسه را یکی از اصلی ترین شاخص های داند و می گوید: نزدیکی به خطوط اصلی حمل و نقل عمومی، به ویژه قطار شهری و اتوبوس رانی اهمیت ویژه ای دارد. در حال حاضر بیش از هشتاد درصد دانش آموزان دبیرستان حاج جعفر برزگر از سایر نواحی آموزشی هستند و محل فعلی مدرسه فاصله شایان توجهی با ایستگاه های حمل و نقل عمومی دارد.

این مسئول با اشاره به پیشنهاد های مطرح شده، از جمله تغییر مکان مدرسه در همان محدوده شهری می گوید: هرگونه جابه جایی منوط به رضایت کامل والدین و دانش آموزان است. نظرسنجی انجام شده است و از میان ۲۵۰ دانش آموز، ۱۹ نفر، مخالفت خود را با تغییر مکان اعلام کرده اند و تا زمانی که رضایت این افراد جلب نشود، انتقال انجام نخواهد شد.

او همچنین به مدرسه محمودیه در ابتدای خیابان بهار اشاره می کند که به دلیل نزدیکی به خط بی آر تی و ایستگاه قطار شهری، دسترسی بهتری برای دانش آموزان مناطق سیدی و بولوارهای طبرسی فراهم می کند. از سوی دیگر، به گفته ظریف، کادر آموزشی نیز به دلیل سهولت رفت و آمد، تمایل بیشتری به فعالیت در این مدرسه خواهند داشت.



● مدرسه ای فراتر از یک ساختمان

روی تابلو دبیرستان، سال تأسیس ۱۳۶۳ درج شده، اما در واقع این مجموعه نزدیک به دودهمه است که به عنوان مدرسه استعداد های درخشان فعالیت می کند و پیش از آن با نام «مدرسه آینده سازان» شناخته می شد. در همه این سال ها، این مدرسه یکی از کانون های آموزشی مهم برای محلات اطراف بوده و نقش پررنگی در پرورش دانش آموزان مستعد ایفا کرده است. با این حال، در روزهای اخیر، خبر احتمال تغییر مکان مدرسه به گوش دانش آموزان و خانواده هایشان رسیده است؛ موضوعی که دلیل اصلی آن، دشواری دسترسی برای بخش قابل توجهی از دانش آموزان و کادر آموزشی عنوان شده است.

● گلابه های والدین از تصمصیم جابه جایی

جمعی از والدین دانش آموزان که اغلب ساکن محلات اطراف مدرسه هستند، برای بیان نگرانی های خود به محل دبیرستان آمده اند. آن ها تمایلی به ذکر نامشان ندارند، اما خواسته شان را کاملاً روشن بیان می کنند. یکی از والدین می گوید خانواده اش با علم به محل استقرار این مدرسه، در همین محدوده خانه خریده است. آن ها بر این باورند که هر چند مدارس سمپاد وابسته به ناحیه آموزشی خاصی نیستند، انتخاب محل سکونت بر اساس دسترسی راحت تر فرزندشان انجام شده و حالا تغییر ناگهانی محل مدرسه، این برنامه را به هم می زند.

شهرآرامحله از گلابه خانواده ها درباره جابه جایی یک مدرسه با سابقه در محله رضاییه روایت می کند

عواقب مهاجرت دبیرستان حاج جعفر برزگر!

سید محمد عطائی دبیرستان استعداد های درخشان «زندگیاد حاج جعفر برزگر» در ابتدای بولوار امت، سال هاست که نه تنها یک مرکز آموزشی، بلکه بخشی از هویت محله رضاییه به شمار می آید. مدرسه ای که چند دهه میزبان دانش آموزان نخبه بوده و نامش با خاطرات آموزشی و فرهنگی نسل های مختلف گره خورده است. حالا اما خبرهایی درباره احتمال انتقال این دبیرستان سمپاد به منطقه ای دیگر، نگرانی و اعتراض برخی خانواده ها و فعالان محلی را به دنبال داشته؛ موضوعی که پای آموزش و پرورش، شورای اجتماعی محله و والدین دانش آموزان را به گفت و گو با ما کشاند.

هم قدم



شهر خبر



روکش آسفالت در ۶ معبر سواره رو

پروژه روکش غیر مکانیزه آسفالت معابر سواره رو در بولوارهای مهدی آباد، شهید مفتاح شرقی، شهید آوینی، ولایت، میرزا کوچک خان و شهید اسماعیل پور با نود درصد پیشرفت فیزیکی در دست اجراست.

حجم اجرای پروژه در این معابر مجموعاً ۴ هزار مترمربع است که از سوی شهرداری منطقه اعتباری معادل ۵۴ میلیارد ریال به این منظور اختصاص یافته است.

این پروژه که با هدف ایجاد سهولت در تردد وسایل نقلیه و تأمین ایمنی اجرا شده است، از آبان امسال آغاز شد و تا پایان بهمن تکمیل خواهد شد.

چهره آرای نوروزی منطقه

با هدف چهره آرای فضای سبز شهری در محدوده منطقه ۵ تعداد ۱۹۴ اصله درخت و درختچه ویژه نوروز ۱۴۰۵ در معابر و بوستان ها کاشته می شود. علاوه بر این قرار است به این مناسبت مبلمان پارکی نیز رنگ آمیزی و نونوار شود.

همچنین مطابق با برنامه ویژه نوروز ۱۴۰۵، تعداد ۵۵۵ المان و باکس گل در معابر نصب و ۴۸۰ هزار بوته گل فصلی و دائمی نیز در بوستان ها و میادین منطقه کاشته می شود تا طراوت و زیبایی بهار را فزونی بخشد.

عطائی معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵، از برگزاری رویداد «خیابان ایران منتظر» در خیابان شهید رحیمی خبر داد. مجتبی برزشی گفت: این رویداد با استفاده از ظرفیت شوراهای اجتماعی محلات، تشکل های مردمی، مدارس علمیه و پایگاه های بسیج منطقه ۵ و به مناسبت نیمه شعبان و ایام... دهه مبارک فجر در حال اجراست.

او افزود: در این برنامه، غرفه های فرهنگی و هنری، مشاوره و تبیین مسائل روز در حوزه های سیاسی، اجتماعی، دینی و شرعی برپا شده و غرفه شهدا با حضور خانواده های معزز شهدا، غرفه کودکان و نوجوان، نقاشی و جشنواره بازی های ورزشی و تفریحی مانند دارت، طناب کشی، هفت سنگ و لی لی از ۱۳ بهمن، میزبان زائران و مجاوران است.

برزشی ادامه داد: ایستگاه های صلواتی، مواکب پذیرایی، اجرای کارناوال شادی، سرودها، مولودی خوانی، نورافشانی و قرعه کشی و اهدای هدایا به خانواده های شهدا و بازدید کنندگان، از دیگر بخش های این رویداد است که تا ۲۲ بهمن ادامه دارد.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۵ در پایان گفت: طبق برنامه ریزی ها، ساعت ۲۱ روز ۲۱ بهمن، جشن «ا... اکبر» با مشارکت مساجد محوری منطقه، همراه با نورافشانی و کارناوال شادی برگزار می شود.



معاون فرهنگی و اجتماعی
شهرداری منطقه ۵ مشهد خبر داد

«خیابان ایران منتظر» در انتظار مردم

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



● جوانان «خوش سیما» پای کار ایستگاه صلواتی

به مناسبت فرارسیدن جشن میلاد امام زمان (عج)، جمعی از جوانان فعال محله خوش سیما همچون سال های گذشته، در خیابان خوش سیما ۸ و کنار مسجد حضرت ولی عصر (عج) ایستگاه صلواتی برپا کردند.

در این ایستگاه، چای و شیرینی تازه میان اهالی و رهگذران توزیع شد؛ اقدامی که با مشارکت و همیاری بانی های خیراندیش محله تهیه و فراهم شده بود و جلوه ای از همبستگی و روحیه تعاون را به نمایش می گذاشت.



● برای تدبیر بیشتر در قرآن

نیکو عقیده! جلسه های معنوی تدبیر و تفکر در قرآن کریم هر دوشنبه شب در کانون و مرکز نیکوکاری کوثر واقع در محله اروند برگزار می شود؛ محفلی صمیمی و روح بخش که هر هفته بالغ بر ده نفر از اهالی محله در آن شرکت می کنند. بیشتر جمعیت هم عموماً نوجوانان هستند.

در این نشست ها، ضمن بهره مندی از تلاوت قاریان برجسته قرآن محله اروند و عنوان نکات آموزشی برای قرائت قرآن، فرصتی فراهم شده است تا آیات الهی با نگاهی عمیق تر و همراه با گفت و گویی دوستانه بررسی و فهم شود.



● دورهمی مادر دختری در مسجد

پنجشنبه هفته گذشته، مسجد جوادالائمه (ع) در کوی عمار یاسر، میزبان جمعی از مادران و دختران محله بود. این برنامه که با همکاری سازمان فرهنگی شهرداری منطقه برگزار شده بود، باعث شد دخترها کنار مادرانشان لحظاتی شاد و مفید را تجربه کنند.

در جریان مراسم که پنجاه نفر شرکت کننده داشت و با حضور مشاور و روان شناس برگزار شد، مادران نکات کاربردی برای ارتباط گیری مؤثر با فرزندانشان را آموزش دیدند. در خلال این برنامه، مسابقه مادر دختری و چند بازی فکری و هیجان انگیز گروهی هم اجرا شد و شرکت کنندگان در فعالیت ها همراه شدند. هدف از این برنامه، کنار هم نشستن مادران و دختران و تقویت ارتباط میان آن ها بود. حضور خوب خانواده ها باعث شد که دغدغه مندان محله به فکر برگزاری مجدد این برنامه طی هفته های آینده باشند.



● جشن پر شور نوجوانان امیرآباد

هفته گذشته، هم زمان با ولادت حضرت علی اکبر (ع)، کانون فرهنگی نوجوانان «معراج» در محله امیرآباد طبق رسم هر ساله غرق در شور و شادی شد.

پیش از شروع مراسم بچه ها با ذوق و شوق خودشان دست به کار شدند، کانون را آراستند، بادکنک ها و پارچه نوشته ها را نصب و مقدمات پذیرایی را آماده کردند.

پس از مهیا شدن فضا، مراسم با مولودی خوانی آغاز شد و نغمه های شادی در کانون پیچید. نوجوان ها کنار هم، با حال و هوایی پر نشاط و صمیمانه، این روز فرخنده را جشن گرفتند و خاطره ای تازه و شیرین در دفتر فعالیت های کانون رقم زدند.

ترمیم آسفالت، همچنان درخواست مردم

جلسه پاسخ گویی تلفنی شهردار منطقه ۶، طبق روال هر ماهه با حضور امیر رمضان، شهردار منطقه ۶، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ برگزار شد. در این نشست که در روز ۶ بهمن برگزار شد، تماس هایی با موضوع درخواست رسیدگی به زمین های خالی انتهای خیابان اروند و آسفالت نامناسب خیابان شهید رستمی ۳۹ دریافت شد.

زدودن نازیبایی ها

عملیات ریشه کنی و بن کشی کنده های درختان خشکیده با هدف توسعه سرانه فضای سبز و زدودن نازیبایی ها، در خیابان ها و معابر منطقه ۶ اجرا شد. در این عملیات، به شصت درخواست شهروندی مرکز ۱۳۷ مربوط به عملیات ریشه کنی رسیدگی شد.

عبور و مرور ایمن تر

خط کشی عرضی بولوار مصلی با هدف افزایش ایمنی عبور و مرور شهروندان و سامان دهی جریان ترافیک در یکی از محورهای مهم منطقه انجام شده است. اداره حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۶ با اجرای این دست عملیات ها تلاش می کند سطح ایمنی معابر منطقه را به شکل شایان توجهی ارتقا دهد.



شهر خبر



عطائی! معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۶، با اشاره به تقارن دهه مبارک فجر و دهه مهدویت، از اجرای مجموعه ای از برنامه های فرهنگی، اجتماعی و میدانی در سطح منطقه خبر داد. حجت الاسلام والمسلمین محسن پاکدامن گفت: این برنامه ها با رویکرد مسجد محوری و مشارکت فعال محلات، ذیل عنوان «ایران منتظر» طراحی شده و هدف آن، تقویت نشاط اجتماعی، تبیین ارزش های انقلاب اسلامی و ترویج فرهنگ مهدوی میان شهروندان است.

پاکدامن با اشاره به فضا آرای گسترده منطقه ۶ بیان کرد که هم زمان با این ایام، آذین بندی معابر و میادین شاخص با نصب بیش از ۷ هزار ریشه سه رنگ، صدها پرچم آویز ستونی و پرچم های بی آر تی در محورهایی مانند بولوار قمر بنی هاشم (ع)، میدان گوهرشاد و میدان هفده شهریور انجام شده است. او همچنین برگزاری جشن خیابانی «ایران منتظر» در شهرک شهید رجایی، اجرای کارناوال های شادی در محلات مختلف از جمله امیرآباد، مصلی، کارمندان، بصیرت و محمدآباد و برپایی ایستگاه های صلواتی را از دیگر برنامه های شاخص این ایام بیان کرد و افزود: این اقدامات با استقبال خانواده ها، جلوه ای مردمی به جشن های دهه فجر در منطقه ۶ بخشیده است.



اهالی محلات منطقه ۶ از برنامه های فرهنگی اخیر شهرداری استقبال کردند

جلوه های

مردمی در ایام فجر و مهدویت

روزگار پس از ورشکستگی

تجربه موفق طراحی صندل، روزه ای در کار آقاهاشم ایجاد کرده بود؛ «هیچ وقت این موضوع را یاد نمی رود. کار ما حتی به تهران هم ارسال شد. به همین دلیل کم کم به طراحی کفش علاقه مند شدم.» این علاقه مندی او را به سمت ایجاد و راه اندازی نخستین کارگاه تولیدی کفش سوق داد. همه چیز داشت خوب پیش می رفت که یکهو بازار خوابید. به دلیل افزایش قیمت دلار از سال ۹۶ دخل و خرج و تعداد تولید و فروش با هم جور در نیامد و راک ماند و چند برگ چک برگشتی که باید بادست خالی، رفع و رجوعشان می کرد؛ «مجبور شدیم نیروها را تعدیل کنیم. خودم ماندم و همسرم. بعد از مدتی خواهرم هم به کمکمان آمد. خودم نمی توانستم جنس اولیه را بخرم؛ به همین دلیل برای مردم کاری کردیم تا خرجمان در بیاید.»

بالاخره با هر سختی بود از پس بدهی هایش برآمد و دوباره کارگاهش را راه انداخت و فراخوان داد تا بچه محل هایش که علاقه دارند بیایند و کار یاد بگیرند. او این کار را به خانواده خودش هم آموخته است؛ «الان خواهر و همسرم هم جزو همکارهای من هستند. خانمم چم و خم کار را خوب یاد گرفته است. اگر یک روز نباشم، خیالم راحت است که زهرخانم می تواند کارگاه را بچرخاند.» چند صبحی از راه اندازی کارگاه تولیدی کفش نگذشته بود که اتفاق شگرفی در زندگی راک رخ داد. او که تازه به سامان رسیده بود، بدهی هایش را پرداخته و حتی خانه ای هم در همان محله خریده بود، از ابتدای سال ۹۸ تصمیم جالبی گرفت و برگ تازه ای در زندگی خانواده او ورق خورد.

لقبی به عشق امیرالمؤمنین^(ع)

آقاهاشم علاوه بر اینکه در کارش فعال است، در محله هم به عنوان فعال فرهنگی شناخته می شود. او با هیئت امنای مسجد دم خور بود و با آن ها مراد داشته است. یک روز وقتی اهالی محله می خواستند به مسجد بروند، متوجه شدند خادم آنجا که پیرمردی کهن سال بود، فوت کرده است. آقاهاشم ماجرا را این گونه تعریف می کند: هیئت اماندار آن روزها در جست و جوی یک خادم جدید بودند. من هم که با آن ها دوست بودم خودم پیشنهاد خادمی مسجد را دادم. همه از این پیشنهاد جا خورده بودند حتی زهرخانم. راک دلیل جالبی برای این تصمیم دارد؛ «از بچگی عاشق این بودم که خادم مسجد شوم یا به طریقی در کنار مسجد زندگی کنم و کاری برای اهل بیت^(ع) انجام دهم. این فرصت را غنیمت شمردم و یا علی^(ع) گفتم و بقیه هم قبول کردند.»

او در ادامه از کلمه «علوی» می گوید؛ «فامیل اصلی من راک است؛ اما از وقتی خادم شدم همه مرا به آقای علوی می شناسند. رسم جالبی که مسجد موسی بن جعفر^(ع) دارد. این است که هر کسی که خادم می شود، لقبی برای او انتخاب می کنند. هیئت امنای خواستند لقب «توسلی» را برایم انتخاب کنند که انگار به امام موسی بن جعفر^(ع) متوسل شده ام؛ اما من به دلیل علاقه ای که به آقا امیرالمؤمنین^(ع) دارم، علوی را انتخاب کردم.»

حالا از حدود هشت سال پیش، همه محله او را به این نام می شناسند؛ بنابراین ما هم از اینجای ماجرا، او را با همین نام صدا می زنیم.

زمانی که پیشنهاد خادمی مسجد پذیرفته شد، فرزندان علوی هنوز کوچک بودند. پسرش، علی، تازه می توانست چند کلمه ای صحبت کند و دخترش هدیه، چهار پنج سال بیشتر نداشت و زهرخانم، همسرش، هم مانند هر زن جوان دیگری، هزار ایده و فکر و رؤیای برای زندگی مشترک و آینده فرزندان داشت. پذیرش این موضوع برای زهراکه در رفاه خانه پدری بزرگ شده و همسرش هم برای او تابه حال کم نگذاشته بود، آسان نبود؛ «وقتی هاشم آقا موضوع را با من در میان گذاشت جا خوردم. جدا از اینکه خادمی مسجد وظیفه سنگین و سختی است، زندگی در خانه خادم مسجد هم سخت بود. خادم قبلی یک اتاق ساده داشت و دیوارهایش رنگ و رو رفته بود. من با دو بچه کوچک نمی توانستم در چنین خانه ای زندگی کنم.»

علوی بعد از آنکه همسرش را به این خدمت و شروع برگ جدیدی از زندگی مشترکشان راضی می کند، از هیئت امنای مسجد می خواهد خانه خادم را بازسازی و کمی بزرگ تر کند؛ «شش ماه طول کشید تا دستی به سر و روی خانه بکشیم. دیوارها خراب بود و باید رنگ می خورد. کمی کابینت ها را نوسازی کردیم. بعد هایک اتاق هم به این خانه اضافه کردیم تا حداقل بچه ها اتاقی داشته باشند و وسایلمان را آنجا بگذاریم.»

زهرخانم توی این مدت در منزل خودشان زندگی می کرد؛ اما خادمی اش را شروع کرده بود؛ «البته خانه خودمان به مسجد نزدیک بود؛ اما بچه باید حواسم، هم به بچه هایم بود و هم مسجد. یک پایم خانه بود و پای دیگری

زوج جوان محله ثامن، ۷ سال است که زندگی و کارشان را به مسجد آورده اند

خادمی انتخاب ما بود

مریم دهقان از مساجد قدیمی شهر در محله ثامن است که یک ویژگی خاص دارد. خادمان مسجد یک زوج جوان هستند که نزدیک به هفت سال از حضورشان می گذرد و همین موضوع باعث شده است حال و هوای مسجد عوض شود و پای جوان ترها به ویژه دختران نو جوان محله به این مسجد بیشتر باز شود. هاشم راک، متولد ۱۳۶۳ معروف به آقای علوی، در این مدت به همراه همسرش زهرار حیمی نسب و دو فرزند کوچکشان لباس خادمی مسجد موسی بن جعفر^(ع) را پوشیده اند و حالا در مسجد که آن را جبهه ای فرهنگی می دانند خدمت می کنند؛ آقای علوی علاوه بر خادمی، سال هاست یک کارگاه تولیدی کفش راه اندازی کرده است و با هم محله ای هایش آن را می گردانند؛ زیرا معتقد است در این همکاری، رفاقت و صداقت و اعتماد بیشتری وجود دارد و همین موضوع، کار را شیرین تر می کند.



دنیای شغلی آقای راک

از بچگی در همین محله بزرگ شده و ازدواج کرده است. یک کارگاه تولیدی کفش راه اندازی کرده است؛ صاحب این کارگاه، مارا به اتاقی هدایت می کند که مثل اتاق منزل فرش شده، با این تفاوت که کارتن های کفش یک گوشه دیو شده و دیوار اتاق، با نمونه های چند کفش زنانه تزیین شده است؛ «کار اصلی ام تولید کفش است و کارگاه تولیدی دارم. از چهارده سالگی شاگردی کردم و بعد از سر بازی به خاطر سر پرورد و ایده آل هایی که داشتم، خودم شدم آقای خودم و نوکر خودم.» هاشم راک بعد از این ماجرا ابتدا افتاد در مسیر کار خرید و فروش کفش و بازاریابی می کرد. اما به خاطر دوستش مسیر شغلی اش تغییر کرد؛ «دو سه سالی بود جنس از تولیدکننده می خریدم و

به بنکدار می فروختم تا اینکه یکی از دوستانم که او هم کارگاه تولیدی کفش داشت، چک هایش برگشت خورد. از من کمک خواست و من هم به خاطر رفاقت آمدم، قبول کردم.» به گفته راک، حوزه کفش چندین شاخه دارد و هر کدام از شاخه ها برای خودش دنیایی دارد و نمی توان همه را یک جا داشت؛ «کار فروش یا تولید متفاوت بود. چند ماهی ماندم کنار دوستم تا کمک حالش باشم؛ یک روز شروع کردم به طراحی یک صندل زنانه و یک نمونه از آن زدم. بعد هم بردم به چند عمده فروش نشان دادم. خوششان آمد و خواستند برایشان چند سری بزنم.» طراحی آن صندل زنانه نقطه شروع و تغییر شاخه شغلی آقاهاشم شد؛ زیرا به اعتراف خودش، آن طرح در سال ۸۴ جزو بهترین کارهای مشهد شده بود و فروش خوبی داشت. همین موضوع باعث شد بخش عمده ای از چک های دوستش پاس شود.



قصه ۵۰ هزار تومان پیرزن

مسجد. گاهی هم هاشم آقامجبور می شد در مسجد بماند و شب هامن بودم و بچه ها، این رفت و آمد ها تا شش ماه طول کشید تا اینکه زوج جوان خادم کارآفرین، بخش زیادی از وسایلشان را کنار گذاشتند و با کمترین اسباب زندگی به خانه خادمی نقل مکان کردند.

حضور زهرا و هاشم، هم برای اهالی محله شگفت آور بود و هم امید تازه ای به روح مسجد دمیده بود. علوی خاطرات تلخ و شیرین زیادی از دوران خدمتش دارد؛ اما یکی از آن ها را که برای ما هم جالب بود، این گونه تعریف می کند: هر روز خانم مسنی از جلو مسجد رد می شد و ۵۰ هزار تومان به من می داد. من به احترام سن و سالش و گمان اینکه وسعش کم است و می خواهد به مسجد کمک کند، قبول می کردم. یک روز با خودم گفتم نکند او دارد به من صدقه می دهد. هاشم آقا که خودش کاروباری دارد و چند نفر هم برایش کار می کنند، ادامه می دهد: یک روز که آمد و خواست ۵۰ هزار تومان را به من بدهد، دلیلش را پرسیدم. پیرزن گفت، مادر جان! دیدم شما جوانی و بچه هم داری و لابد از سر احتیاج خادم شده ای؛ خواستم کمکت کنم. تا این جمله را شنیدم انگار که برق سه فاز به من وصل کرده باشند، متعجب شدم و به آن پیرزن گفتم، مادر جان! من نیازی به این پول ندارم. این ماشین مال من است. خانه هم دارم؛ اما چون خادمی را دوست دارم اینجا آمده ام. تازه کارگاه تولیدی کفش من هم سرکویه است و چند نفر دارند برایم کار می کنند. او از این دست خاطرات کم ندارد و می گوید: متأسفانه اغلب مردم این طور فکر می کنند هر کسی که خادم مسجد است، ندار و فقیر و پیر است.

حال و هوای جوانان مسجد

علوی علاوه بر شکستن این باور سنتی که همه خادم ها از سر ناچاری، به این شغل روی می آورند، حال و هوای مسجد را هم به کمک هیئت امنای جوانش تغییر داده است؛ «یک روز آقایی برای نماز به مسجد آمد و وقتی فضا را دید، گفت من آخرین بار ۱۰ سال پیش به اینجا آمدم و آن موقع فرش های مسجد کهنه

و پوسیده بود؛ چقدر مسجد نووار شده است. علوی برای ایجاد این نظم و تغییر تلاش کرده است؛ «با کمک خیران محلی و خیران دیگری که توانستم جذب کنم، فرش ها را یک دست کردیم. اینجا هر سه نماز صبح و ظهر و مغرب برگزار می شود. چند امام جماعت فعال و باسواد داریم. کانون فرهنگی مسجد هم فعالیت های فرهنگی و ورزشی مختلفی در طول سال برگزار می کند.»

فعالیت های این مسجد زیاد است و در گزارش دیگری به آن خواهیم پرداخت؛ اما همین قدر بگوییم که پای جوان های محله به خاطر این زوج خادم جوان به این مسجد باز شده است؛ «دخترم هدیه یازده سال دارد. او به همراه دوستانش یک تیم دخترانه مسجدی تشکیل داده و اسمش را گذاشته اند «کاروان اربعین»، و پایه هر مراسمی در مسجد هستند. یکی از آن مراسم همیشگی و پرطرفدار، اعتکاف ایام ماه رجب است؛ ایام اعتکاف که از راه می رسد، دخترهای نوجوان برای شرکت در آن ذوق و شوق دارند. دختر من هم یکی از آن هاست.»

به باور علوی اگر مساجد بتوانند پای جوان ها را به این محیط باز کنند، هنر کرده اند؛ بزرگ ترها که عمرشان در صف های نماز مساجد می گذرد.

دوست نه کارفرما

امیرحسین جعفری، از جمله نیروهای جوان و محلی در کارگاه تولیدی کفش آقای علوی است.

پشت یکی از میزهای کار در کارگاه نشسته است و دارد روی قالب های کفش،

رویه اولیه می کشد تا برای بقیه مراحل تولید آماده شود. جعفری به ما می گوید: کارم در این کارگاه پیشکاری است. نزدیک به پنج سال است با آقای علوی کار می کنم و جز خوبی از او ندیده ام.

جعفری رویه ها را که قبلاً آماده کرده است، یکی یکی برمی دارد و کنار هم می چیند؛ «ما در این کارگاه، فضای صمیمانه و خوبی داریم. آقای علوی مثل دوست برای ماست، نه کارفرما. حواسش به همه چیز هست. هم سعی می کند کار را به ما برساند و سفارش بگیرد، هم حقو قمان را به موقع پرداخت می کند و هم دقتش در کار بالاست.» از او می خواهیم واژه دقت را کمی بیشتر برایمان توضیح دهد؛ «مهارت در کارش دارد و به همه بخش های تولید کفش مسلط است. اگر مشکلی هم در کار پیش بیاید، دوستانه تذکر می دهد.»

خادمی که مربی هم هست

حالا دخترها و پسرهای جوان و نوجوان محله، خادم جوان مسجد موسی بن جعفر^(ع) را می شناسند و وقتی او را در محله می بینند با ذوق و شوق سلام می کنند. قاسم و حدتی، عضو هیئت امنای مسجد، بر جوان گرایی مسجد تأکید می کند و می گوید: خادم قبلی بیشتر از هشتاد سال داشت و به اقتضای سنش، نمی توانست به خوبی یک جوان ارتباط

بگیرد. حضور آقای علوی در این مسجد باعث شده است این محل تبدیل به پاتوقی فرهنگی و ورزشی برای جوان های محله شود.

او ادامه می دهد: آقای علوی فقط یک خادم معمولی نیست. اگر مربی های کانون و پایگاه بسیج کمی دیرتر بیایند یا کاری برایشان پیش بیاید، او برنامه را تعطیل نمی کند؛ مثلاً اگر مربی قرآن کمی دیرتر بیاید و نوجوان ها بخواهند برنامه روزانه شان را انجام بدهند، آقای علوی کنار بچه های نشیند و با آن ها قرآن می خواند.

به گفته و حدتی، خادم فعلی مسجد، راهبری است که همه برنامه ها با کمک و راهنمایی او پیش می رود. نوع رفتارش با همه به ویژه نوجوان ها هم باعث شده است این گروه سنی بیشتر به مسجد بیایند. حضور آقای علوی برای مسجد موسی بن جعفر^(ع) یک فرصت است.

و حدتی می گوید: چند کوچه آن طرف تر مسجدی داریم که هر دو سال یک بار خادمش عوض می شود. آقای علوی به خاطر علاقه ای که به کارهای فرهنگی و محبتی که به اهل بیت^(ع) در دلش دارد، پای کارش مانده است.



گزارش شهرآرا محله از تاریخچه، امکانات و حال و هوای محله شهید باهنر

یادگار زمین های کشاورزی وقف شاه عباس



مکان نما

سعیده ساجدی نیا / شهرک شهید باهنر یکی از محلات نوزده گانه منطقه ۶ شهرداری مشهد است که در گذشته، روستایی در کنار شهر بود اما از سال ۱۳۹۰ به محدوده شهری پیوست. با توسعه شهرنشینی، این محله به سکونتگاهی غیررسمی و ارزشمند برای مهاجران و حاشیه نشینان تبدیل شد. این شهرک در حال حاضر با مشکلات بزرگ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی روبه روست. حالاً بیش از سی سال است که نام این شهرک به شهید باهنر تغییر یافته، اما هنوز هم مردم به خصوص قدیمی های خود شهرک، این محل را با نام «قلعه خیابان» می شناسند. در گزارش پیش رو به تاریخچه، بافت، وضعیت دسترسی، امکانات فرهنگی و رفاهی و حدود جغرافیایی این محله، پرداخته ایم.



بافت

تاریخچه

میانگین فاصله زمانی تانزدیک ترین ایستگاه، بیش از چهار دقیقه است. با این حال اختصاص خطوط بی آر تی به محله شهید باهنر دسترسی اهالی به بسیاری از نقاط شهر را بهبود بخشیده است.

امکانات

آمار فضاهای ورزشی محله نشان دهنده وضعیت مناسبی نیست و تنها یک زمین فوتبال در انتهای شهرک وجود دارد. با این حال سوله بحرانی که تبدیل به سالن ورزشی شده است، نزدیک این محله و در محله شهید بسکابادی قرار دارد.

بوستان کوچک محله شهید باهنر جزو معدود فرصت های اهالی برای بهره مندی از فضای سبز است. میانگین زمان رسیدن به نزدیک ترین نقطه سبز در این محله، بیش از ۳۶ دقیقه تخمین زده شده است. دومدرسه ابتدایی دخترانه و دومدرسه ابتدایی پسرانه در این محله فعال است.

اهالی محله شهید باهنر در حال حاضر از بیمارستان محروم اند. دوسالی می شود که یک درمانگاه شبانه روزی در این محله ساخته شده است؛ با این حال برای جمعیت ۲۲ هزار نفری محله کافی به نظر نمی رسد. محله شهید باهنر، هشت مسجد فعال دارد که مسجد جامع ابوالفضل در خیابان حر ۹۸ مسجد محوری محله به شمار می رود. حدود پنج مسجد این شهرک مجهز به وسایل ورزشی است که اهالی هرروزه در ساعت های تعیین شده از آن ها بهره می برند.

جغرافیا

محله شهید باهنر شرقی ترین محله مشهد و آخرین محدوده شهری پیش از جاده سرخس است که در انتهای بولوار حر قرار دارد. تنها محله ای که در همسایگی شهرک شهید باهنر قرار دارد، محله شهید بسکابادی است.

محله شهید باهنر با ۱۴۸ هکتار وسعت، ۲۲ هزار و ۸۰۴ نفر جمعیت دارد. تراکم جمعیت این محله، ۱۵۳ نفر در هر هکتار است؛ یعنی دست کم سه برابر میانگین جمعیتی شهر مشهد. نرخ باروری در این محله نسبتاً بالاست و کودکان کمتر از چهار سال بیشترین جمعیت محله شهید باهنر را به خود اختصاص داده اند.

نرخ باسوادی در این محله ۷۷٫۷ درصد است که از بسیاری از محلات شهر مشهد پایین تر است و با توجه به اینکه محله به سکونتگاه غیررسمی حاشیه نشینان تبدیل شده و با مشکلات فرهنگی و امنیتی بسیاری روبه روست، جزو محلات کم برخوردار محسوب می شود. با وجود این در عین محروم بودن، افراد موفق همچون دکتر حسن بسکابادی، متخصص کودکان، حسن وزیری بازپرس دادگاه تربت جام، سرکوهی خواننده و نوازنده موسیقی مقامی و نمونه های موفق دیگر بسیاری را در خود پرورش داده است.

ویژگی منحصر به فرد محله شهید باهنر، زندگی شیعه و سنی در کنار هم است. کاربری مسکونی، باغات و کشاورزی به ترتیب مهم ترین کاربری های محله شهید باهنر است.

زمین های رها شده یکی از مشکلات بزرگ محله شهید باهنر است که موجب اعتراض مردم شده است؛ زمین هایی که طبق گفته اهالی، بیشتر آن ها در اختیار آستان قدس است.

دسترسی

محله شهرک شهید باهنر به خطوط قطار شهری دسترسی ندارد. تنها راه دسترسی اهالی این محله به داخل شهر مشهد از بولوار حر می گذرد و خطوط اتوبوس رانی محله نیز تنها روی همین بولوار ایستگاه دارد. به همین دلیل پراکندگی ایستگاه ها مناسب نیست و اهالی برای استفاده از اتوبوس باید به طور میانگین ۳۴۲ متر پیاده پیما یند.

شاه عباس بعد از احداث خیابان مشهد، بیرون از دروازه شهر زمین هایی خرید تا کارگران و کشاورزان روی آن زراعت کنند و درآمدش صرف طعام رایگان زوار حرم حضرت رضا (ع) شود. این زمین ها در اصطلاح به «اراضی خیابان» معروف شد.

محله شهید باهنر که در شرقی ترین نقطه مشهد قرار دارد، محل سکونت همین کارگران «اراضی خیابان» بوده است.

این کارگران به دلیل دوری راه تا شهر، نزدیکی اراضی خیابان، مکان قلعه ماندنی برای سکونت خود و خانواده شان ساختند؛

به همین دلیل به این محدوده «قلعه خیابان» یعنی قلعه یا روستای اراضی «خیابان» گفته می شود. اندکی پس از حادثه تروریستی انفجار دفتر نخست وزیری در هشتم شهریور ۱۳۶۰،

نام قلعه خیابان مشهد به شهرک شهید باهنر تغییر یافت. این شهرک از سال ۹۰ به محدوده شهری مشهد پیوست و محله شهید باهنر نام گرفت. اما هنوز هم مردم به ویژه قدیمی ها، این محل را با نام «قلعه خیابان» می شناسند.

یکی از مراکز هویتی مهم در محله شهید باهنر، «تاجرآباد» واقع در خیابان حر ۸۲ است که یک راسته بازار سنتی محسوب می شود. بیشتر ساکنان این محله، بلوچ هستند. راسته تاجرآباد، مغازه است و مایحتاج مردم آنجا خرید و فروش می شود. چون بیشتر اهالی بلوچ هستند، طبیعتاً در تاجرآباد اقلامی خرید و فروش می شود که بلوچ ها نیاز دارند و همین موضوع، تاجرآباد را با دیگر بازارها متفاوت می کند.

بعضی از مشهدی ها به تاجرآباد می گویند «بازار کراچی» یا «چهارراه رسولی دوم» و عده ای هم آن را به نام «چابهار مشهد» می شناسند. در یک کلام، این خیابان پررنگ و لعاب یک تکه از بلوچستان است در قلب مشهد.



مریم بازمحمدی از خاطره انقلاب ۱۳۵۷ در کوچه پس کوچه های اطراف حرم می گوید

تنها ماندن من و علی



صندوق
خاطرات

● پناه گرفتن پشت ژیان

یکی از روزهای اواخر دی ماه برای مریم معنای دیگری دارد؛ روزی که مسئولیت برادر کوچکش به طور کامل به دوش او افتاد. آن روز، مادر که باردار فرزند سوم بود، برخلاف همیشه تصمیم گرفت همراه بقیه به راهپیمایی برود و پدر هم مخالفتی نکرد. خانواده به سمت چهارراه شهدا راه افتادند.

تعریف می کند: در میان جمعیت، بایک دست محکم دست پدر را گرفته بودم و با دست دیگر، محکم تر از همیشه دست علی را. جمعیت آرام آرام به سمت حرم مطهر حرکت می کرد و خیابان پر بود از شعارها و هیجان مردم معترض. مثل روزهای قبل.

ربابه بازمحمدی (خبرنگار افتخاری) ابعضی خاطره ها با اتفاقی خاص در ذهن حک می شوند؛ مثل خاطره مریم بازمحمدی، ساکن محله رضائیة، از روزی در زمستان سال ۱۳۵۷ که صدای دویدن، نفس های بریده و دلهره اش هنوز در خاطر او مانده است. روزی که او برای اولین بار، معنی خواهر بزرگ تر بودن را نه در حرف، که در دل خیابان های شلوغ انقلاب تجربه کرد.

● خاطرات ماندگار ۱۱ سالگی

مریم بازمحمدی از نسل بچه های دهه ۴۰ است؛ نسلی که نوجوانی اش با روزهای پرتلاطم انقلاب اسلامی گره خورد. او آن روزها را خوب به یاد دارد. چون پدر و مادرش از جمله کسانی بودند که پای ثابت راهپیمایی ها و تظاهرات بودند و زندگی شان در همان خیابان ها جریان داشت. به همین دلیل، ایام سالگرد انقلاب برای مریم فقط یادآور یک اتفاق تاریخی نیست؛ بلکه یادآور خاطره ای شخصی است که هنوز بعد از سال ها، لبخند آرامی را روی صورتش می نشاند.

مریم خانم از زمستان سال ۱۳۵۷ تعریف می کند؛ ایامی که تقریباً همه چیز رنگ انقلاب داشت. روزها همراه خانواده در خیابان ها شعار می دادند و شب ها صدای «... اکبر» از پشت بام ها بلند می شد. او می گوید: پدرم تقریباً هر روز در راهپیمایی ها حضور داشت و در بسیاری از روزها، دست من یازده ساله و برادر نه ساله ام، علی را هم می گرفت و با خودش می برد.



● دوباره کنار هم

صدای تیرهای نزدیک تر می شد و از پدر و مادر خبری نبود. ماندن دیگر به صلاح نبود و مریم تصمیم گرفت راه خانه را در پیش بگیرد. مسیری که از کوچه پس کوچه های اطراف حرم بلد بود. در دلش آشوبی برپا بود، اما سعی می کرد نترسد. علی، بی خبر از نگرانی خواهرش، سرگرم تماشای مغازه ها و آدم ها بود. وقتی به خانه رسیدند، در بسته بود و آن ها پشت در نشستند. دقایقی بعد، پدر و مادر از دور پیدا شدند؛ سر تا پایشان پر بود از گل و آلودگی. همان جاکنجاوی مریم گل کرد.

او با لبخندی روایت می کند؛ بالاخره پدر ماجرا را تعریف کرد؛ از زمین خوردن مادر در جوی آب کنار خیابان و تصمیمی سریع برای پنهان شدن در همان آب های گل آلود تا خلوت شدن خیابان. مریم آن روز چیزی نگفت، اما در دلش به داشتن پدری که در سخت ترین لحظه ها راه نجات را پیدا می کند، افتخار می کرد.

کتابخانه شهید محمد کاظم خیابانی در محله شهید بسکابادی
با همکاری اهالی و نوجوانان راه اندازی شد

روشنایی کتاب در انباری خاموش



مکان نما

برای کودکان و نوجوانان داشته باشد؛ به ویژه در این سوی شهر که امکانات تفریحی و فرهنگی کم است.

هاشمی می گوید از زمانی که امامت مسجد را بر عهده گرفته، این فکر همراهش بوده است. در نهایت، با همکاری هیئت امنای مسجد تصمیم گرفتند انباری بدون استفاده طبقه بالا را از وسایل غیر ضروری خالی کنند و با هزینه ای که جمع شد، قفسه هایی برای کتاب تهیه کنند.

● چراغی که نوجوانان روشن نگه داشته اند

برای تهیه کتاب، در کانال مسجد اطلاع رسانی کردند و اهالی هم تعدادی کتاب به کتابخانه هدیه دادند. همه کتاب ها تک تک تفکیک، بازبینی، کدگذاری و غربال شدند تا مجموعه ای مناسب برای استفاده کودکان و نوجوانان فراهم شود. حالا پانصد جلد کتاب دارند. در این مسیر، خود نوجوانان محله هم پایه پای بزرگ ترها همراهی کردند. حالا چهار دختر نوجوان فعال، نقش مهمی در امور کتابخانه دارند. آن ها به صورت داوطلبانه و شیفیتی در کتابخانه می مانند؛ کتاب ها را امانت می دهند، عضوگیری می کنند و مراقب کتاب ها هستند. یکی از آن ها رقیه طالبی است؛ دختر هفده ساله ای که با اشتیاق درباره رؤیای همیشگی اش می گوید: همیشه آرزو داشتم در محله مان یک کتابخانه داشته باشیم تا برای گرفتن کتاب مجبور نباشم کلی راه بروم و خودم رابه کتابخانه حرم برسانم.

سحر نیکو عقیده کتابخانه شهید محمد کاظم خیابانی هفته گذشته در مسجد الرضا^(ع) افتتاح شد؛ کتابخانه ای که ایده راه اندازی اش از دل دغدغه های اهالی محله شکل گرفت. مردم می خواستند جایی باشد تا برای کودکان و نوجوانان، خوراک فرهنگی سالم فراهم کنند؛ و چه فضایی بهتر از کتابخانه؟ حالا تنها یک هفته از افتتاح آن گذشته است و پنجاه نفر از نوجوانان محله عضو کتابخانه شده اند. همین استقبال گرم سبب شده است دغدغه مندان محله تصمیم بگیرند قدم های تازه ای برای ارتقا و گسترش این کتابخانه بردارند تا این فضایی از پیش به کانونی برای رشد، یادگیری و نشاط نسل جوان تبدیل شود.

● ساختن دل خوشی برای بچه ها

کتابخانه در طبقه بالای مسجد قرار گرفته است؛ جایی که روزگاری انباری بود و حالا با تغییر کاربری، به فضایی هر چند کوچک اما کاربردی برای کتاب خوانی بچه ها تبدیل شده. گوشه ای از این طبقه، قفسه ای چوبی گذاشته اند و کتاب ها را داخل قفسه ها چیده اند. هنوز کم و کسری ها زیاد است، اما همین فضای ساده هم دل بچه ها را خوش کرده و انگیزه ای شده برای آمدن به مسجد و کتاب خواندن. حجت الاسلام والمسلمین سید هادی هاشمی، امام جماعت مسجد و از فعالان فرهنگی و اجتماعی محله، یکی از چهره های اثرگذار در راه اندازی این کتابخانه است. او سال ها این ایده را در ذهن داشته است؛ «هر محله باید یک کتابخانه محلی و مردمی

او می گوید محله پر از بچه های کتاب خوان است؛ بچه هایی که شوق آمدن به کتابخانه را دارند؛ فقط در همین یک هفته بعد از افتتاح، پنجاه نفر عضو شده اند.

این استقبال، برای رقیه و دوستانش، انگیزه ای دوچندان است تا چراغ این کتابخانه کوچک همیشه روشن بماند.

● وعده ارتقای کتابخانه

زینب محبت، دانش آموز مدرسه عاشوراویکی از اعضای خردسال کتابخانه، فقط یازده سال دارد اما کلی کتاب خوانده است. در همین سن و سال، فهرستی بلند از کتاب هایی که خوانده است، برای خودش دارد. او می گوید از طریق مدرسه فهمیده که مسجد کتابخانه راه اندازی کرده است؛ «قبلاً برای گرفتن کتاب باید تا محله های دور می رفتم؛ حالا خوشحالم که همین جا کتابخانه داریم.»

زینب به کتاب های مذهبی و تاریخی علاقه ای ویژه دارد. هر چند می گوید کتابخانه هنوز خیلی پر محتوا نیست، خوش بین است؛ «گفته اند قرار است کتاب های بیشتری بیاورند و کتابخانه بزرگ تر شود.»

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیرودی، شهیدرستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهیدرجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



○ زهراکاریزی، مبدع این طرح، جمع‌آوری اسباب‌بازی‌ها را از دو ماه پیش شروع کرده و در این مدت، بسیاری از آن‌ها را تعمیر کرده است. طبق گفته او همگی این وسایل قبل از استفاده کودکان ضد عفونی شده‌اند.



○ با همت اعضای شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین^(ع) و هیئت منتظران ظهور^(عج) محیط بازی کودکان فراهم شده است و بچه‌ها در کمال آرامش و امنیت کنار یکدیگر مشغول بازی هستند.

اهالی محله امیرالمؤمنین^(ع) در یک پویش متفاوت اسباب‌بازی‌های بدون استفاده را در یک مکان جمع کردند



شهربازی محله‌ها

عطائی‌اگاهی یک اسباب‌بازی ساده، می‌تواند پلی باشد میان دنیای کودکی و مفاهیم عمیق محبت، همدلی و ایمن. در حاشیه جشن مردمی «کوچه ایران منتظر» در محله امیرالمؤمنین^(ع)، پویشی شکل گرفت که بانگای انسانی و مردمی، جان تازه‌ای به وسایل کوچک اما خاطره‌ساز کودکان بخشید. خانواده‌ها با اهدای اسباب‌بازی‌هایی که دیگر در خانه‌هایشان کاربردی نداشت، فرصتی فراهم کردند تا کودکان دیگر، شادی را در فضایی آمیخته با نام و یاد اهل بیت^(ع) تجربه کنند. بچه‌ها آمدند و در بخشی از برنامه، همگی کنار هم، از اسباب‌بازی‌های اهدایی که حدود دویست عدد بود، استفاده کردند. قرار است این اسباب‌بازی‌ها در برنامه‌های فرهنگی بعدی محله دوباره استفاده شود.



○ خانواده‌های محله از این پویش سرشار از اعتماد و مهر استقبال کردند. مریم اسماعیلی، مادر علیرضای ده‌ساله که از دیدن صحنه بازی بچه‌ها به وجد آمده، با مسئولان این پویش ارتباط می‌گیرد تا اسباب‌بازی‌های قدیمی فرزندش را به این مکان بیاورد. او می‌گوید: فرزندم در خانه با وسایل کنترلی و شارژی بازی نمی‌کند اما اینجا با وسایل پلاستیکی کنار هم سن و سال‌هایش سرگرم است.



○ نازنین زهرا و مرجانه هر دو دسته‌ای از اسباب‌بازی‌های خانه‌داری را جور کرده‌اند و مشغول بازی با آن‌ها هستند.

عکس: سید محمد عطایی/شهرآرا